

۱۷ اکتبر تا شب گذشته که پدافندهای ایرانی با موشک‌ها و پهپادهای اسرائیلی در آسمان تهران، مقابله می کردند. مقامات رژیم تأکید داشتند که جنگ آن‌ها نه با مردم ایران که با نظام حکمرانی ایران است، درست مثل ادعاهایی که همزمان با هدف قرار دادن ساختمان‌های مسکونی و کشتن کودکان و زنان فلسطینی، مطرح می کردند و مدعی بودند زیر این خانه‌ها مخفی گاه‌ها و تونل‌های حماس قرار دارد. تهران صبح جمعه ۲۳ خرداد ماه اما این واقعیت را به چشم دید که برای صهیونیست‌ها همان اندازه که کشتن کودکان و زنان فلسطینی راحت است، کشتن زنان و کودکان ایرانی را هم با همان توجیه و وقاحت انجام می دهد. تصاویر خانه‌هایی که به خاطر حمله صهیونیست‌ها فرور بختند و عروسک‌های خون‌آلود کودکان، در کنار خرابه‌های این ساختمان نشان داد، همان اندازه که ادعای صهیونیست‌ها در این مورد که در غزه غیرنظامی نکشته، پوچ و دروغ است، ادعای اینکه برای آن‌ها تفاوتی بین مردم ایران و نظام حکمرانی وجود دارد، مهمل گویی است که برای دستکاری افکار عمومی ایرانیان صورت می گیرد، شهاد مثال این موضوع هم شمار غیرنظامیان و مردم عادی است که ۲۳ خرداد در تهاجم و جنایت اسرائیلی‌ها، کشته شدند.

هدف، کشتن غیرنظامیان است!

پهپادها و موشک‌های اسرائیلی تنها مقر‌های نظامی و فرماندهان نظامی ایران را هدف قرار نداد. این حملات به مناطق مسکونی و محل زندگی مردم هم رسید و در میان شهدا هم زنان و کودکان زیادی حضور داشتند که در گروه‌بندی سیاسی و مذهبی در ظاهر هم نظر با جمهوری اسلامی به نظر نمی‌رسیدند. دختری ایرانی که روی تخت خوابش به شهادت رسیده و موهایش خون‌آلود از لایلای آوار‌ها دیده می‌شود، پرنیا عباسی است، دختری ۲۴ ساله که شاعر، نویسنده مجله وزن دنیا و معلم زبان انگلیسی بود و پدر و مادرش، یک معلم و کارمند بازنشسته بودند، پرنیا و خانواده‌اش، ساکن خیابان ستارخان بودند که در جریان حمله صهیونیست‌ها به شهادت می‌رسد. نیلوفر قلعه‌وند از جمله افرادی بود که در حادثه صبح جمعه به شهادت رسید. تصاویر او بعد از شهادتش در فضای مجازی منتشر شد، نیلوفر، مربی پلاتس بود. علاوه بر نیلوفر، فدراسیون تکواندو روز گذشته اعلام کرد که امیرعلی امینی، نوجوان تکواندوکار ایرانی هم در جریان حمله صهیونیست‌ها به شهادت رسیده است. در میان شهدایی که نام آن‌ها به مرور اعلام می‌شود، منتشر شدن تصویر مادری ۲۷ ساله که در جریان حمله اسرائیل به شهادت رسید، واکنش‌های تلخ زیادی به همراه داشت، روز جمعه در جریان این حمله خانه مریم مینایی، به همراه پسر ۲ ساله و همسرش، هدف حمله قرار گرفت و منجر به شهادت او شد. احسان اشراقی هم دیگر فردی بود که در جریان این حمله به شهادت رسید، اشراقی

۴۸ ساله و کارمند بانک بود. باران، دختر ۹ ساله احسان اشراقی هم در جریان این حمله به شهادت رسید در میان شهدایی که از روز گذشته، اسامی و مشخصات آن به مرور اعلام می‌شود، نام افراد مختلفی به چشم می‌خورد که یک معلم، مادر، کودک، کارمند و استاد دانشگاه در میان شهدا بودند. تعداد زیادی از این شهدا از مردم معمولی بودند، در میان آن‌ها شاید چهره‌های زیادی هم پیدا شوند که در سال‌های گذشته، هدف جنگ روانی رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. نگاهی به این نام‌ها اثبات می‌کند که رژیم صهیونیستی به کشتن مردم عادی به بهانه مقابله عادت دارد. از همه مهم‌تر هدف قرار دادن مناطق مسکونی، معنای دیگری جز کشتن نیروهای غیرنظامی و مردم ندارد و این نشان می‌دهد که اسرائیل تعدد آیین حملات را به سمت مناطق مسکونی برده که مردم و ساکنان عادی را بکشد.

اساس پیشرفت ایران برایشان تهدید است

صهیونیست‌ها در یکی دو دهه گذشته از همه نوع ابتکاری برای آسیب رساندن به برنامه و فعالیت هسته‌ای ایران، استفاده کردند، ترور دانشمندان هسته‌ای هم از جمله اقداماتی بود که برای ضربه زدن به پیشرفت دانش بومی هسته‌ای ایران، انجام شد. صبح جمعه در میان شهدایی که به خاطر حملات صهیونیست‌ها به شهادت رسیدند، نام‌های زیادی از دانشمندان و نخبگان صنعت هسته‌ای به چشم می‌خورد. بر مبنای آنچه برخی رسانه‌های صهیونیستی اعلام کردند، هدف رژیم صهیونیستی ترور ۲۵ نفر از دانشمندان و نخبگان هسته‌ای ایران بوده است. فریدون عباسی دانشمند هسته‌ای که پیش از این بارها اقداماتی

اسرائیلی‌ها برخلاف ادعاهای بزرگ‌شده‌شان درمورد مردم ایران، دست به کشتن غیرنظامیان ایرانی زدند

مظلوم‌کشی، هویت صهیونیست‌هاست



برای ترورش انجام شد اما موفقیت‌آمیز نبود، صبح جمعه صهیونیست‌ها با حمله به محل سکونتش او را به شهادت رساندند. دکتر محمد مهدی طرآنچی رئیس دانشگاه آزاد که از نخبگان هسته‌ای کشور و استاد فیزیک بود هم صبح جمعه در جریان حمله صهیونیست‌ها به شهادت رسید. روز گذشته ارتش اسرائیل، رسماً مسئولیت ترور دانشمندان هسته‌ای ایرانی را به عهده گرفت. عبدالحمید منوچهر، سیدامیرحسین فقهی، احمدرضا ذوالفقاری، علی بکایی کریمی، منصور عسگری، سعید برجی، مطلبی‌زاده همه از اساتید دانشگاه و نخبگان فیزیک هسته‌ای بودند. ترور این افراد که تعداد زیادی از آن‌ها از چهره‌های برجسته علمی و دانشگاهی کشور بودند، نشان می‌دهد، صهیونیست‌ها نه فقط فرماندهان نظامی و برنامه موشکی ایران را تهدید می‌دانند، حتی از پیشرفت علمی که می‌تواند منجر به پیشرفت کشور شود هم احساس تهدید می‌کنند. ترور دانشمندان و اساتید دانشگاهی، سند روشنی برای اثبات این گزاره است که اسرائیل نه فقط برنامه نظامی و هسته‌ای بلکه اساساً موجودیت ایران و پیشرفت در هر حوزه‌ای را که باعث توانمند شدن ایران بشود تهدیدی برای موجودیت خودش می‌داند.

هدف قرار دادن نیروگاه‌ها و تأسیسات هسته‌ای به مردم آسیب نمی‌زند؟

چند روز پیش از شروع حمله صهیونیست‌ها، شورای حکام به قطعنامه‌ای که ایران را به سرپیچی از برنامه پادمانی‌اش، محکوم می‌کرد، رأی داد. ادعاها و اظهارات گروسی و مقامات اروپایی این گزاره را اثبات می‌کرد که تهدید نامبی برنامه هسته‌ای ایران، برای مشروعیت دادن به حمله به تأسیسات هسته‌ای

ایران صورت گرفته است. در حمله صبح جمعه صهیونیست‌ها تأسیسات هسته‌ای فردو مورد حمله قرار گرفت. البته بر مبنای آنچه رئیس کل آژانس اعلام کرده، تأسیسات هسته‌ای روی زمین این سایت، مورد حمله قرار گرفته است. سازمان انرژی اتمی در همان ساعات ابتدایی اعلام کرد که سازمان انرژی اتمی اعلام کرده که بعد از این حمله تشعشاتی در محوطه دیده شده اما تشعشات به بیرون منتقل نشده است. البته رئیس کل آژانس انرژی اتمی، اعلام کرد که این حمله به تأسیسات زیرزمینی غنی‌سازی اورانیوم آسیب نزده است. با این حال این موضوع، قابل کتمان نیست که این حمله خساراتی را به تأسیسات فردو وارد کرده است. موضوعی که رژیم صهیونیستی، در جریان حمله به تأسیسات هسته‌ای روی آن پافشاری دارد این است که با حمله به تأسیسات هسته‌ای و نظامی به نظام حکمرانی ایران، آسیب وارد کرده است، اما در واقعیت ماجرا تأسیسات و دارایی‌های کشور، جدای از مردم نیستند. کمالاتکه پیش از این، بارها مقامات مسئول ایرانی، اعلام کردند که تولید و غنی‌سازی هسته‌ای، حق مردم ایران است. اما واقعیت آن است که حمله و آسیب به تأسیسات، ساختمان‌ها و نیروگاه‌ها بیش و پیش از همه به مردم آسیب می‌زند و در واقع ثروت مردم است. موضوعی که البته اسرائیلی‌ها تلاش می‌کنند آن را در نقاب ادعاهایی مثل ایسن که با مردم ایران جنگ ندارند، پنهان کنند و فاصله‌ای میان مردم و مقامات صهیونیستی، ببندازند.

کارگر هم برای حکومت کارمی‌کند؟

در ادامه حملات و تجاوزات رژیم صهیونیستی به خاک ایران، روز گذشته کارخانه خودروسازی فردا موتورز در بروجرد مورد حمله قرار گرفت. روابط عمومی این کارخانه در بخشی از اطلاعیه‌ای که منتشر کرده نوشته که حمله‌ای که حوالی ظهر امروز صورت گرفته، خسارات مالی و جانی گسترده‌ای به همراه داشته است و در ادامه این گزارش هم تأکید کرده «ارزیابی خسارات وارده دشوار است اما ارزیابی‌های اولیه حکایت از شهادت جمعی از پرسنل خطوط تولید دارد. ضمن آنکه خسارات وارد شده به خطوط تولید، قطعات آماده‌تولید و خودروهای ساخته‌شده نیز شدید بوده است.» طبیعتاً پاسخ این سؤال که هدف قرار دادن یک کارخانه تولید خودرو، اساساً می‌تواند چه تهدیدی برای موجودیت اسرائیل باشد، روشن است، او به دنبال از کار انداختن تمامی توانمندی‌های ایران است. نکته مهمی که در بیانیه روابط عمومی این شرکت مورد اشاره قرار گرفته خسارت‌های جانی شدیدی است که این کارخانه متحمل شده است. حالا باید این موضوع را روشن‌تر و صریح‌تر از مقامات صهیونیستی پرسید که اگر در محاسبات آن‌ها، کارخانه خودروسازی، جزء دارایی‌های نظام حکمرانی است، پس کارگران هم سربران حکومت ایران هستند و براین اساس کشتن آن‌ها، مجاز است یا این نگاه تقریباً تمام مردم ایران، وابستگان نظام حکمرانی خواهند بود و کشتن آن‌ها، کشتن غیرنظامیان نیست. این همان توجیهی است که اسرائیل در یک سال گذشته همزمان با کشتار گسترده کودکان و زنان فلسطینی به آن تأکید داشت.

نتانیاھو درحالی برای تکمیل عملیات خود به آشوب‌های خیابانی امید بسته است که فضای همدلی به‌وجودآمده واکنش‌های انتقامی سنگین را مطالبه می‌کند

آویزانی متقابل نتانیاھو و براندازان



فقط تا همین جا بلد بودید؟

خطای دوم نتانیاھو تلقی از ضعف ایران در میدان است. این خطا باعث شد تا رژیم صهیونیستی از درک ابعاد پاسخ نظامی ایران عاجز مانده و وقتی شدت تخریب‌های موشک‌های ایران را می‌بیند در تحیر فروبرود. شهردار ریشون لتسیون واقع در جنوب تل‌آویر در سرزمین‌های اشغالی روز شنبه در پیامی تصویری در واکنش به عملیات وعده صادق ۳ که جمعه شب آغاز و تا سحرگاه شنبه به طول انجامید، گفت: «این یک صبح سخت و بسیار دشوار دروناک است. همه چیز دیده بوم اما ویرانی و خرابی اینچنینی ندیده بوم؛ صحنه‌ها بسیار دردناک هستند.»

همزمان با دعوت نخست‌وزیر اسرائیل به ایجاد آشوب در ایران با شعار جعلی «زن، زندگی، آزادی» یک اکانت توییتری منتسب به رژیم صهیونیستی با به کار بردن این عبارت که «اسرائیل سهم خودش را انجام داد» قومیت‌های مختلف را دعوت کرده تا در کنار سلطنت طایان به تقابل با کشورشان بپردازند. این دعوت‌نامه کاملاً همسو با مطالبه‌ای است که چهره‌های مشهور اپوزیسیون ساکن خارج از کشور در ایام آشوب‌های ۱۴۰۱ از دولت‌های غربی مطالبه آن را داشتند اما وقتی از تقابل مستقیم دولت‌های اروپا و آمریکا با ایران ناامید شدند به سراغ خود نتانیاھو رفتند و حتی رضا پهلوی در حاشیه یک همایش در تل‌آویو با نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کرد. چنین مطالبه‌ای بی‌برنامه بودن دو طرف را در طراحی‌های ضدایرانی‌شان کاملاً نشان می‌داد. اپوزیسیون که در ایام ۱۴۰۱ با شعار براندازی در اروپا و آمریکا دوره‌گردی و کاسبی می‌کرد پس از شکست ایده براندازی برای آنکه خیال‌پردازی‌های توییتری‌شان در مورد خروج مقامات ایران از کشور و فتح شهرهای مختلف را لاپوشانی کنند تقصیر را به گردن دولت‌های غربی انداختند که چرا دامنه حمایت‌هایشان از اپوزیسیون را به فاز نظامی نکشیدند. اینکه رژیم صهیونیستی نیز پس از آغاز کردن یک جنگ همه‌جانبه با ایران اکنون دست به دامن اپوزیسیون شده

را اثبات می‌کند. از سسوی دیگر یکی از دلایلی که اقدام نظامی علیه ایران را به تأخیر انداخته استست به نظر می‌رسد زمینه‌چینی برای ایجاد آشوب‌های خیابانی در ایران بوده است. رژیم صهیونیستی بعد از شکست سناریوی آشوب در مرحله پیش از اقدام نظامی احتمالاً این راهبرد را همچنان دنبال خواهد کرد. این بار با اقدام نظامی و کشتار غیرنظامیان و امیدواری به ایجاد نارضایتی نسبت به شرایط امنیتی کشور.

حرکت روی شابلون غزه

رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از یک الگوی تکراری و هدفمند، با اقدامات نظامی گسترده و کشتار غیرنظامیان، همواره کودکان، در پی ایجاد فضایی ناامنی و نارضایتی عمومی است. این رژیم با استفاده از خشونت سیستماتیک، سعی دارد پروژه‌ای را پیش ببرد که به التهابات اجتماعی و بی‌ثباتی داخلی منجر شود. از سوی دیگر، صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند با متهم کردن مردم به عدم همراهی با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل، توجیه رسانه‌ای برای ادامه جنایات خود علیه غیرنظامیان ایجاد کنند. این سنساریو که پیش‌تر در غزه آزمایش شده، نه‌تنها در آن منطقه ناکام مانده، بلکه موجی از اعتراضات جهانی علیه جنایات اسرائیل و حمایت‌های بی‌چون‌وچرای دولت‌های غربی به راه انداخته است. این الگوی رفتاری رژیم صهیونیستی در هدف قرار دادن غیرنظامیان، مراحل مشخصی را طی می‌کند. اندرو فوگل، چهره آمریکایی آشنا با زبان فارسی، در تویییتی به این الگو اشاره کرده و می‌نویسد: «این‌ها با ادعای «غیرنظامی نمی‌زنیم» شروع می‌کنند، سپس به بهانه «تقصیر رژیم است که از سیر انسانی استفاده می‌کند» پیش می‌روند و درنهایت به این نتیجه می‌رسند که «مردم حقشان بود که نظام را براندازی نکنند.» او تأکید می‌کند که این مراحل اکنون ممکن است با سرعتی بی‌سابقه طی شود. این اظهارات نشان‌دهنده یک راهبرد حساب‌شده است که در آن رژیم صهیونیستی ابتدا با انکار هدف قرار دادن غیرنظامیان، سعی در تیره خود دارد، اما به‌تدریج با تغییر روایت، مسئولیت جنایات را به گردن قربانیان می‌اندازد. این استراتژی با هدف مشروعیت‌زدایی از مقاومت مردمی و توجیه خشونت علیه غیرنظامیان طراحی شده است. با این حال، تجربه غزه نشان داده که این توجیهات نه‌تنها در جلب حمایت بین‌المللی موفق نبوده، بلکه خشم جهانی را برانگیخته است. اعتراضات گسترده در شهرهای مختلف جهان، از واشنگتن تا لندن و از قاهره تا توکیو، گواهی بر این مدعاست. دانشجویان، فعالان حقوق بشر و حتی سیاستمداران در کشورهای مختلف به خیابان‌ها آمده‌اند تا حمایت خود را از مردم فلسطین و محکومیت جنایات اسرائیل اعلام کنند. رژیم صهیونیستی با این اقدامات نه‌تنها در غزه، بلکه در هر منطقه‌ای که این الگو را پیاده می‌کند، به دنبال ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت است. با این حال، افزایش آگاهی جهانی و گسترش دسترسی به اطلاعات از طریق شبکه‌های اجتماعی، این رژیم را در تنگنای بی‌سابقه‌ای قرار داده است. افکار عمومی جهان دیگر قریب روایت‌های جعلی را نمی‌خورد و هر روز بر تعداد کسانی که علیه ظلم و جنایت صهیونیستی موضع می‌گیرند، افزوده می‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که شابلون غزه، نه‌تنها در دستیابی به اهدافش ناکام مانده، بلکه به عاملی برای اتحاد جهانی علیه سیاست‌های اسرائیل و حامیانش تبدیل شده است.